

ابطال انتخابات و برگزاری مجلس مؤسسان خواست مردم ایران است

یش از دو سوم رأی دهندگان در فراندم، انتخابات مجلس خبرگان را تحریم کردند.

بالاخره مضحکه انتخابات به عنوان بارزترین بیسانگر ماهیت و شیوه عمل رژیم کنونی در پیش چشمان بهت زده مردم ایران به پایان رسید و آخرین "دلخوشی" های عده ای که هنوز با ناباوری به اقدامات دولت می نگریستند از بین رفت. دولت یازگان نه بعنوان دولتی که بنا بر ادعای خود اولین "انتخابات آزاد" را در ایران انجام داد بلکه بعنوان برقرارکننده یکی از مفتضح ترین انتخابات ثبت شد و این "افتخار" راهسواره حامیل با خود خواهد داشت که بالاخره از "لحاظی" نامش در تاریخ ماندنی خواهد بود.

تدارک، آغاز و انجام "انتخابات" معجوسی بود از بیگفایتی، قلدرمنشی، بی شخصیتی و کوتاه بینی. بسختی میتوان تصور جمع شدن همه این "معاسن" را در یک رژیم داشت. رژیمی که گردانندگانش از بسک باندمحدود و متشتت، عقب مانده و انحمارگرتشکیل شده باشند خودبهترین مبلغ نفی خویش است. گروهی که نه بخاطر مبارزه جوشی و درایت، بلکه بخاطر سازش ها و زدوبندها و با استفاده از بی اعتباری بی ضعف بدیل های دیگر، ناگهان خود را براریکه قدرت می یابد، جمعی که اگر در قدرت نبود تسک تسک افرادش تنها در پاتکین ترین سطوح جامعه میتوانستند قابل مشاهده باشند، شیوه کاری بهتر از این نیست.

چپ از همان ابتدا موضع خود را مبنی بر تحریم این شعبده بازی بطور روشن و صریح اعلام داشتیم و از دیگر سیروها خواستیم که بجای ادامه توهمات فریبنده، کوشش خود را متوجه جلوگیری از فریب توده های خلق کنند و شرکت و شراکت در این بازیها را بعهده طالبین جاه و مقام و زدوبندها و مانورها بگذارند.

متأسفانه - و این رابه تاکید میکنیم - که در این مورد توده های مردم و حتی سازمانهای لیبرال از خود روشن بینی بیشتری از بسیاری از سازمانهای چپ نشان دادند. با تمام تبلیغاتی که رژیم در این مورد برای انداخت و با همه اغتشاشی که در تصمیم -

تدارک، آغاز و انجام "انتخابات" معجوسی بود از بیگفایتی، قلدرمنشی، بی شخصیتی و کوتاه بینی. بسختی میتوان تصور جمع شدن همه این "معاسن" را در یک رژیم داشت. رژیمی که گردانندگانش از بسک باندمحدود و متشتت، عقب مانده و انحمارگرتشکیل شده باشند خودبهترین مبلغ نفی خویش است. گروهی که نه بخاطر مبارزه جوشی و درایت، بلکه بخاطر سازش ها و زدوبندها و با استفاده از بی اعتباری بی ضعف بدیل های دیگر، ناگهان خود را براریکه قدرت می یابد، جمعی که اگر در قدرت نبود تسک تسک افرادش تنها در پاتکین ترین سطوح جامعه میتوانستند قابل مشاهده باشند، شیوه کاری بهتر از این نیست.

چپ از همان ابتدا موضع خود را مبنی بر تحریم این شعبده بازی بطور روشن و صریح اعلام داشتیم و از دیگر سیروها خواستیم که بجای ادامه توهمات فریبنده، کوشش خود را متوجه جلوگیری از فریب توده های خلق کنند و شرکت و شراکت در این بازیها را بعهده طالبین جاه و مقام و زدوبندها و مانورها بگذارند.

متأسفانه - و این رابه تاکید میکنیم - که در این مورد توده های مردم و حتی سازمانهای لیبرال از خود روشن بینی بیشتری از بسیاری از سازمانهای چپ نشان دادند. با تمام تبلیغاتی که رژیم در این مورد برای انداخت و با همه اغتشاشی که در تصمیم -

گیری نیروهای چپ بوجود آمدن پیش از دوسوم توده های مردم به انتخابات پشت کردند و آنرا تحریم نمودند. تعدادی دهندگان با همه تقلب هایی که در آن شد (که شرح آن با تفصیل زبان نرسد) (عام است) حدود ۱۰٪ تعداد کسانی که در فراندن شرکت کردند. تحریم انتخابات توسط توده های مردم آگاه شده، بزرگترین توهینی به انحصار طلبان و بارزترین بیان ردمشی نادرست سازمانها بود که عوام فریبانه یا خام خیالانه بدنیا آمد. حرکت میکردند و آنرا "همراهی با توده" قلمداد می نمودند. توده های مردم نشان دادند که آنقدرها هم که مدعیان رهبری آنها - هم مدعیان مذهبی و هم مدعیان چپ آن - تصور میکردند نادان و بی اطلاع نیستند. توده های مردم نشان دادند که از این مدعیان بسیار باهوشتر و جلوترند. مردم نشان دادند که هنگامیکه خود به مسئله ای واقف میشوند برای توعیه های سازمانها که بخاطر فرقه گرایی، شتت و بی تحلیلی به آنها راه نادرست را می نمایانند، ارزشی قائل نیستند. بسیاری از مردم پوست و گوشت خود حس کرده بودند که رژیم فعلی جاسی آنان نیست و "انتخابات" آن مضحکه ایست برای حفظ خود نه دفاع از دستاوردهای انقلاب. این راحتی بخش مهمی از توده مذهبی نیز لمس کرده بود. بسیاری از سازمانهای چپ که همواره تحلیل خودرانه بر پایه واقعیات جاری کنونی، بلکه بر پایه نمایش های اجتماعی گذشته میگذازند، بدون اینکه درک کنند که از آخرین نمایش تاکنون جو اجتماعی عوض شده است، بدون اینکه درک کنند توده به حرکت خود ادامه داده است، بر مبنای تفکرات استوار و تجریمی خود، بر مبنای بی اعتقادی به توده و بالاخره در اثر راست روی که از تفکر و بینش بر میخیزد، به جای روشنگری و افشای کل مضحکه، با "فراست" کسم نظیری تصمیم به شرکت در بازی را گرفتند تا گویا ()

در طول بازی به مردم ثابت کنند که همه دارند "بازی" میکنند. این توهین به شعور مردم جواب کوبینسده خود را در عکس العمل مردم یافت. مردم به همه آنها - به رژیم و نیز به مدعیان چپ رهبری - گفتند نه! گفتند دیگر بس است. مانه به حسن نیست رژیم اعتقاد داریم و نه به درایت شما.

از این روست که شکست انتخابات در واقع معنای دوگانه مهمی را برای جنبش ما داشت. این امر از یک جانب نمودار شکست رژیم - و شکست مفتضحانه آنها - بود و از جانب دیگر امری بسیار مثبت و مهم، یعنی رشد و اعتقاد آگاهی توده های مردم را بیان داشت. و این امر اخیرنه تنها از این لحاظ که خود اثرات مهمی در مسیر جنبش خواهد داشت، مهم خواهد بود، بلکه علاوه بر آن بزرگترین ترمز برای راست روی سازمانهای چپی است که بخاطر نداشتن تحلیل متصورا "بهر کجا که توده میرفت به همراهش میرفتند. حتی این سازمانها نیز از این پس گرچه احتمالا" قادر به تغییر اساسی در بینش خود نخواهند بود ولی لااقل در تعقیب همان بینش لحظه نگری خود محبور خواهند شد در ارزیابی های خود تجدید نظر کنند و ظوا هر راست روی را در مشی و منش خود محدود نمایند. ما می داوریم این جریانهای چپ بطور صادقانه و علنی از اینکه در گمراهی عده ای از مردم شریک بوده اند از خود انتقاد کنند. این انتقاد زمانی میتواند صادقانه تلقی شود که به انتقاد از یک جنبه از سیاست آنها محدود نشود بلکه ریشه های بینشی آنها مورد نقد و تصحیح قرار دهد و از اینها مهمترین کار آنها جلوگیری شود. آینده نشان خواهد داد که کسانی این شایستگی و شهامت را از خود بروز خواهند داد.

این درسی بود برای جنبش چپ. ولی این درس باید با آموزش توده های مردم توأم باشد. توده های مردم، همانطور که گفته شد، در عمل انتخابات را تحریم کردند. رژیم با همه تقلب هایی که در کار

کرد، بیش از ۶ میلیون رای را نتوانست از صندوقها بیرون کشد. اکنون وظیفه همه مردم آگاه این است که نه تنها به افشاء گری ادامه دهند بلکه مهمتر از آن، اهرمی را که "انتخابات" کنونی بدست انحصارگران داده است از دست آنان بازستانند. بعبارت دیگر انتخابات تقلبی مجلس خبرگان باید ابطال شود و انتخابات مجلس موسسان تحت نظارت همه سازمانهای سیاسی مترقی در دستور کار قرار گیرد.

شعار ابطال انتخابات باید بصورت شعار مرحله اول از جانب همه نیروهای مترقی - چه آنان که انتخابات را تحریم کرده بودند چه آنان که در آن شرکت کرده بودند درآید. این شعار مطابق خواست توده ها و مطابق بیان این خواست در رفتار آنها در عدم شرکت در انتخابات است. این شعار هم خواست توده های آگاه است و هم بهترین افشاگر رژیم. و علاوه بر آن یک گام به پیش، به پیش از دوران قبل از انتخاباته در ادامه راه - و نه تنها در نفی مشی رژیم - تلقی میشود. ابطال انتخابات شعاری است که میتواند خواست همه نیروهای آزادیخواه را بیان کند. و انتخابات برای مجلس موسسان حقی است که از مردم بزور سلب شده است و باید باز پس ستانده شود. مردم قیام و انقلاب کردند، قانون اساسی گذشته را بگورستان تاریخ سپردند و همه این مردم - در نهایت تنوع و کثرت خود - حق دارند که قانون اساسی آینده را تدوین نمایند. هیچ قیم و نمایندگی، هیچ امام و امام - زاده ای، هیچ حزب و دسته ای، حق ندارد این حقوق را از مردم بگیرد. این حق مال مردم است و گرفتن آن دزدی است.

ما همانطور که قبل از انتخابات گذاشتی اعلام کردیم در افشاء باندی که این حق را از مردم دزدیده است کوتاهی نخواهیم کرد و همه عواقب آنرا هم متحمل میشویم. امروز بیش از دوسوم مردم بهمین نتیجه رسیده اند و مسلم میدانیم که این عده بسرعت فزونی

خواهد گرفت. مردم نخواهند گذاشت انقلاب از آنها دزدیده شود. رژیم آریا مهربان مسئله را تا به آخر تجربه کرد. رژیم کنونی اگر از زنی فهم داشتند باشد پیام مردم را از عکس العمل دوسوم آنها خواهد فهمید. دیگر این یک درصدی (۱۱) ها نیستند که رژیم را افشاء میکنند. این مردمنده که به صحنه آمده اند و حرکت مردم سخت عبرت انگیز است.

فصلنامه دمائی
نشریه
سازمان وحدت کمونیستی